

● علاوه بر فارسی به زبان کردی هم شعر می‌گویی و حالا پس از دو سال که از چاپ مجموعه شعر «کلاغ‌ها زبان گنجشک را نمی‌فهمند» می‌گذرد، تصمیم گرفته‌یی مجموعه اشعار کردی ات را منتشر کنی. چگونه یک ذهنیت را در دوزبان مختلف ارایه می‌دهی؟

– همیشه عادت دارم هر شعری را که می‌شنوم در ذهنم به زبان کردی ترجمه کنم. زبان کردی، زبان مادری من است. من با این زبان بزرگ شده‌ام. تمام شعرهای فارسی من قبل از نوشته شدن بر کاغذ، در ذهنم به کردی سروده می‌شوند و نهایتاً مخاطب من انسان معاصر است. ذهنیت من یک ذهنیت نو و همراه با کنجکاوی کودکانه است. کودکی که برای دنیا رمز نمی‌شناسد و مخاطبش انسان معاصر است، انسانی که دچار روزمرگی و نگرانی و پی‌ری زودرس شده است. من معتقدم گاهی لازم است میان این روزمرگی‌ها کودک شویم و باگرفتاری‌ها، کودکانه برخورد کنیم و شعر هم برای من نوعی کنجکاوی و جست‌وجوی کودکانه است. شعر رمز نمی‌شناسد و یک ذهنیت شاعرانه را نمی‌توان در حصار قومیت و ملیت محبوس کرد. فراموش نکنید ما داریم در دهکده جهانی زندگی می‌کنیم.

● باوجود این، شعر با زبان سروکار دارد و زبان فارسی و زبان کردی، دوزبان از هم جدا با ساز و کارهای نحوی متفاوت هستند. به جست‌وجوی کودکانه، اشاره کردی. فکر نمی‌کنی دید آن کودک درون تو، نگاهی نوستالژیک و همراه با حسرت به گذشته‌هاست و این نوع نگاه، خیلی هم نمی‌تواند کودکانه باشد.

– نوستالژی میراث قوم کرد است. ما کردها همیشه با حسرت و آندوه به سر می‌بریم. اینکه از دهکده جهانی صحبت کردم منظوم این نبود که باید گذشته‌هایم را فراموش کنم و به تئوری‌های جدید که زندگی در زمان حال ابدی را توصیه می‌کنند، پناه ببریم. من شاید در زندگی روزمره عصبان و خیلی چیزها را انکار کنم ونادیده بگیرم. مثلاً براحتی نام کوچکم را از شناسنامه بردارم و فراموشش کنم، اما به شعر که می‌رمس دیگر من نیستم. من فقط تیتز درشت روزنامه‌ها را می‌بینم اما او از لایه لای کلمات هر سطر دلپره‌ها را کنار می‌زند و چیزی را جست‌وجو می‌کند که ما گم کرده‌ایم. طبیعی است که در این جست‌وجو به خیلی مکان‌ها و زمان‌ها سرک می‌کشیم. اصلاً شعر یعنی بریدن از مرکز جهان.

● بیشتر درباره شعر هایت صحبت کنیم،

فکر نمی‌کنی شعر تو از «شعر گفتار» تأثیر پذیرفته باشد؟

– پیش از آنکه با شعر گفتار سیدعلی صالحی آشنا شوم، با شعری از این نوع در کردستان آشنایی کامل داشتم. اصلاً شعر نو کردی کاملاً گرایش به زبان مردم و زبان محاوره دارد و غیر از این نمی‌تواند باشد. البته هر شاعری باتوجه به توانایی اش به دخل و تصرف در این زبان می‌پردازد و به قولی کشف و شهود شاعرانه در زبانش اتفاق می‌افتد و اما شعر گفتار در ایران با سیدعلی صالحی مرکز توجه قرار گرفت و در آثار دیگران ادامه یافت. باتوجه به آشنایی و انس و الفتی که با شعر کردی داشتم، طبیعی بود که جذب شعر گفتار شوم. شعر گفتار یک جنبش عظیم در شعر امروز ما به وجود آورد و دارای ظرفیت‌های بیشماری است که قابلیت هر نوع ذهنیت و فضاسازی را در خود دارد.

● به حضور شعری مشابه «شعر گفتار» در زبان کردی اشاره کردی. می‌خواهم بپرسم تأثیر پذیری شعر کردی از فارسی و یا بالعکس را چگونه می‌بینی؟

– اجازه بدهید ابتدا اشاره‌یی کنم به موقعیت جغرافیایی و استراتژیکی کردستان پهناور که بعد از سقوط امپراتوری عثمانی به چهار پاره تقسیم

برده‌اند و با شعر جهان کاملاً آشنایی دارند. تأثیرپذیری شعر کردی از فارسی را باید بیشتر در همین سالهای اخیر و در شعر شاعران دهه ۹۰ جست‌وجو کرد. شاعران نسل‌های پیشین، بیشتر تحت تأثیر شعر عربی و اروپایی بودند. اما در شعر دهه ۹۰ کردستان می‌توان ردی از شاعران ایرانی



گفت‌وگو با «فریاد شبیری» شاعر

فرهنگ و هنر

داد که نیما در شعر فارسی سالها پیش آغاز کرده بود. گوران با درک درستی که از ساختار شعر کردی داشت یکباره از نظام عروض و قافیه سنتی سرپیچی کرد، چرا که اعتقاد داشت نظام عروض عربی هیچ سختینی با روح شعر کردی ندارد. وزن عروضی و تساوی ابیات و تقطیع سنتی را کنار گذاشت و به شعر هجایی روی آورد که با استقبال هم مواجه شد و شاعران زیادی به سبک و شیوه‌ی گوران روی آوردند.

شاعرانی چون (مکری، هروی، الف-ب حوری، ع.هـ.ب، و… که البته همه به تقلید از گوران پرداختند و کار تازه‌یی ارایه ندادند و به نوعی شعر کردی تا ۱۹۷۰ دچار رکود شد. تا اینکه این رکود با ظهور شاعرانی توانا در دهه‌ی ۷۰شکسته شد، شاعرانی چون شیر کوی بی کس، لطیف هلمت، عبدالله پشتو، رفیق صابر و… که در دو گروه روانگه و کفری به فعالیت می‌پرداختند و با انتشار بیانیه‌ی دیدگاه‌ها ضرورت تحول در شعر کردی را مطرح کردند و همانطور که می‌دانید شاعرانی چون شیر کوی با کسب عناوین و افتخارات جهانی شعر کردی را در جهان مطرح ساختند.

● اما پس از دهه هفتاد در شعر کردی فقط به نام شاعرانی چون شیر کو و هلمت و چند تن دیگر برمی‌خوریم. فکر نمی‌کنید پس از این

شعر یعنی جدایی از مرکز جهان

یافت. مثلاً «فرهاد پیربال» در مجموعه شعر «Xill» بشدت تحت تأثیر فروغ فرخزاد است که البته در کارهای اخیرش به سبک خاص خودش دست یافته است.

● حالا که صحبت به اینجا رسید، فکر می‌کنم بهتر باشد کمی هم درباره شعر نو کردی و جریان‌های رایج در شعر کردستان صحبت کنی.

– شعر نو کردی را می‌توان به دو دوره تقسیم کرد. دوره‌ی گوران و دوره بعد از گوران. سابقه‌ی شعر نو کردی به حدود ۵۰سال پیش برمی‌گردد. زمانی که شیخ نوری صالح به تأثیر از ادبیات ترک جریان نوگرایی در شعر کردی را آغاز کرد و می‌توان گفت زمینه‌را برای عبدالله گوران مساعد کرد. سالها بعد گوران بطور جدی به این کار پرداخت و می‌توان گفت او همان کاری را انجام

شعر برسد. وی در این مجموعه به تخریب و ویران کردن عادت‌های ماندگار در شعر کردی پرداخته است. البته همگام با این شاعران جوان برخی از شاعران نسل‌های پیش هم سعی کرده‌اند از قافله نوگرایی عقب‌نمانند و حرکت و تحولی در کارهای اخیرشان دیده می‌شود. مثلاً لطیف هلمت خیلی زود پی به تکرار و اشباع زبان شعریش برد و در مجموعه‌ی تازه‌اش با نام «مبارزه و کشمکش میان همشهریان الکترونی لطیف هلمت» سعی کرده

● این روزها از نوعی بحران در شعر مدرن فارسی صحبت می‌شود

آیا از این بحران در شعر مدرن کردی هم صحبت می‌شود؟

– نمی‌دانم منظور از این بحران چیست که این روزها سر زبان‌ها افتاده است، اینکه ما هم درگیر سردن شعر و هم درگیر مشکلات چاپ و نشر کتاب و هم دفاع از شعر خود هستیم واقعاً وضعیتی بحرانی است. نسل ما همیشه در حال مبارزه بوده هم در حوزه‌ی ادبیات، هم سیاست و اقتصاد و… کودکی ما ن با انقلاب همراه شد، نوجوانی ما ن در سالهای جنگ سپری شد و حالا هم اگر اسمش را بگذاریم روزهای جوانی، درگیر اوضاع آشفته‌ی سیاسی و فرهنگی و اقتصادی جامعه هستیم. در حقیقت ما همیشه در حال تغییر وضعیت بوده‌ایم و این یعنی بحران، که امیدوارم حاصل این بحران و تغییر وضعیت آینده‌یی آرامش‌بخش باشد هم در حوزه‌ی فرهنگی، هم در سیاست و اقتصاد کشور. در کردستان هم با ظهور شاعران دهه‌ی ۹۰ برخی اوضاع شعر مدرن کردی را بحرانی می‌دانند با این تفاوت که در بحران شعر کردی شاعران مطرح نسل‌های پیشین هم سهیم هستند.

● شنیده‌ام در حال حاضر مشغول ترجمه گزیده‌یی از شعر مدرن ایران به زبان کردی هستی؟ چطور شد که به این فکر افتادی؟

– یکی از موانع و مشکلات شعر فارسی عرضه نشدن در خارج کشور است. شعر امروز ما با آنکه در مقایسه با شعر جهان هیچ کم ندارد اما تنها و بیگانه است. جز معدود ترجمه‌هایی از کارهای نیما و شاملو و فروغ و سپهری شعر ما آنچنان که شایسته است در جهان معرفی نشده. مثلاً در کردستان عراق تنها کارهایی از سیدعلی صالحی به کردی ترجمه شده. در مصاحبه و دیداری که سال گذشته با «لطیف هلمت» و دیگر شاعران و نویسندگان کردستان عراق داشتم متوجه علاقه و کنجکاوی آنها نسبت به شعر یکی دو دهه‌ی اخیر ایران شدم و تصمیم گرفتم گزیده‌یی از شعر این دو دهه را به کردی ترجمه کنم. از طرفی شعر مدرن کردی هم

در ایران خوب معرفی نشده جز کارهایی از «شیر کویبی کس» و «هلمت» و «رفیق صابر» و «عبدالله پشوی». در صورتی که شاعران جوانی در یکی دو دهه‌ی اخیر ظهور کرده‌اند که می‌توان گفت شعر مدرن کردی را دچار تحول و حرکت کرده‌اند. گزیده‌یی ازعاشقانه‌های شاعران یکی دو دهه‌ی اخیر کردستان را هم برای ترجمه به فارسی انتخاب کرده‌ام که امیدوارم بتوانم هرچه زودتر این کارها را به پایان برسانم.

● ملاک انتخابت در ترجمه شعرهای فارسی به کردی چه بوده؟

– قبل از هر چیز من به تقاضا و نیاز جامعه کنونی کرد توجه داشته‌ام. شعر برای قوم کرد نوعی مبارزه و مقاومت بوده و هست. شعری که مخاطب را نادیده بگیرد و یا دست بیندازد آنجا رواج ندارد سعی کرده‌ام به سراغ شاعران شاخص و فعال این دو دهه بروم و از میان آثارشان شعرهایی را انتخاب کرده‌ام که با تقاضای جامعه‌ی کنونی کرد همخوانی داشته باشد. این را هم اضافه کنم که شعرهایی که مخاطب را دست می‌اندازند و فقط به فرم و بازیهای زبانی تأکید دارند اصلاً قابل ترجمه نیستند.

● فکر می‌کنی این دلیل ضعف این شعرها باشد؟

– دقیقاً همینطور است، اما گاهی شعری در زبان مبدأ با لحن و نحوی ویژه در ساختاری بومی سروده می‌شود که موفق و قابل قبول هم هست، حال اگر این شعر را به زبانی دیگر ترجمه کنیم، بی‌شک آن لحن و ساختار بومی در ترجمه از بین می‌رود. اما اگر اندیشه‌یی پنهانی در شعر وجود داشته باشد دست نخورده باقی می‌ماند. ولی همانطور که گفتم در شعرهای فرمی و زبانی، اصلاً ترجمه امکانپذیر نیست.

● مترجم باید دارای این توانایی باشد که شعر را بازسرایي کند. فکر نمی‌کنی در بازسرایي می‌توان ضعف‌هایی را که اشاره کردی رفع کرد؟

– اگر بازسرایي انجام نگیرد اصلاً ترجمه‌یی صورت نگرفته وحاصل کار یک نثر شاعرانه می‌شود. اما یک چیز را هم نباید ندیده گرفت و آن امانتداری در ترجمه است، که مترجم را متعهد می‌کند متن اصلی را فراموش نکند. درمورد ضعف‌هایی که اشاره کردم در صورتی با بازسرایي رفع می‌شوند که شعر در زیرساخت خود اندیشه‌یی جهانشمول داشته باشد. در غیر این صورت با یک متن بازیگوشانه و سطحی چه می‌توان کرد.